



خطر تعطیل سیاست

تحلیلی از محمدجواد روح درباره چشم انداز سیاست داخلی و شرایط شکننده دولت پزشکیان



تبعات جدی شوخی دو رئیس

بررسی صحبت‌های جیانی اینفانتینو رئیس فیفا در نشست سران کرپتو در کاخ سفید



رقیب جدید تجدد

درباره مارک سجویک و کتاب «ستیز با جهان مدرن» که تاریخ‌نگار را بر بررسی می‌کند



بن بست خودمختاری

بررسی انتخابات پارلمانی کردستان عراق و شکاف حزب دموکراتیک و اتحادیه میهنی

ارزیابی کارشناسان از موضع‌گیری رهبری و تئودیلماسی ۲۰۳ گزارشی

ایران آماده مذاکره هسته‌ای؟

احمدزید آبادی
تحلیلگر سیاسی و مشاور هم‌میهن

سیاست «نفی مذاکره و گفت‌وگو» بین دو کشور معمولاً در سطح جهان طرفداری ندارد و ظاهراً به همین دلیل، دولت ترامپ برای مذاکره با جمهوری اسلامی پیشقدم شده است تا از این جهت ایران را طرف «لج‌باز» در ماجرای تنش بین دو کشور نشان دهد و به انزوا بکشد. این نکته‌ای است که رهبر جمهوری اسلامی نیز در سخنان روز شنبه خود به آن اشاره کرد.

رحمن قهرمانپور
تحلیلگر ارشد سیاست خارجی و کارشناس مسائل آمریکا

اگر ترامپ در پرونده اوکراین موفق شود توافقی به دست بیاورد که اروپا، اوکراین و متحدانش راضی باشند، فشار بر ایران را مضاعف خواهد کرد. اگر موفقیتی در این موضوع به دست نیاید، ممکن است از خواسته‌های حداکثری خود کوتاه بیاید. همین موضوع در خصوص غزه نیز وجود دارد. در این صورت ممکن است با این توافق محدود موافق باشد.

کوروش احمدی
دیپلمات پیشین ایران در نیویورک

اصلاً نمی‌توان روی اظهارات شفاهی حساب کرد. در نتیجه ما می‌توانیم مبنای بر این قرار بدیم که اگر ایران موافقت کند، می‌شود در تماس‌های اولیه مشخص کرد که طرف مقابل از ایران چه می‌خواهد، ایران از آن‌ها چه می‌خواهد و کار به همین شکل پیش برود؛ با توجه به اینکه فرصت زیادی در پیش نیست و با توجه به اینکه حدود این پنجره باز را مکانیسم ماشه مشخص می‌کند.

سرمقاله

مهمل و پوچ

شاید بتوان گفت، تعبیری که مقام‌رهبری در دیدار روز شنبه خود با کارگزاران نظام از گزارش دریافتی از سوی مرحوم رئیسی داشتند، تندترین تعبیری است که نسبت به دولت‌های ۳۵ سال گذشته به کار برده‌اند. ایشان در بخشی از سخنان خود به گلایه آقای رئیسی اشاره می‌کنند که برخی از شرکت‌های بزرگ دولتی ارز صادراتی خود را به کشور بر نمی‌گردانند، لذا ایشان برای جبران این رفتار می‌خواهد آنها را وادار به اجرای پروژه‌های بزرگ آبی، پالایشگاهی و نیروگاهی در مناطقی از کشور کند. طرحی که مورد تأیید قرار می‌گیرد و چند ماه بعد هم پیگیر کیفیت اجرای آن می‌شوند و آقای رئیسی هم گزارشی از اقدامات آن شرکت‌ها به ایشان می‌دهد که از نظر رهبری گزارشی مهمل و پوچ ارزیابی می‌شود. این ماجرا برای فهم نظام اداری ایران به‌ویژه در دولت آقای رئیسی نیازمند تحلیل دقیق است. اول از همه، این شرکت‌های دولتی چه نام دارند که حتی برخلاف اراده رئیس‌جمهور از خود را به داخل کشور نمی‌آورند؟ آنها تحت حمایت چه نیروهایی هستند؟ نقش آنها در افزایش قیمت ارز چیست؟ آیا وزیر اقتصاد جرأت داشت که هنگام استیضاح و دفاع از خود نام آنها را ببرد تا مردم بدانند قیمت ارز از چه نهادهایی تعیین می‌کنند که حتی رئیسی هم زورش به آنها نمی‌رسید؟ مگر هیئت‌مدیره‌های این شرکت‌ها را دولت تعیین نمی‌کند؟ پس چرا نتنها حرف‌شنوی از دولت ندارند، بلکه خلاف قانون هم عمل می‌کنند؟ دولت برای بازگرداندن ارزهای بخش خصوصی به داخل کشور و بانک مرکزی چه فشارهایی که وارد نمی‌کند؛ پس چطور در این موارد که به خود دولت مربوط است، قادر به انجام کاری نیست؟ به علاوه، این ارز را در خارج برای چه کاری نگهداری می‌کنند؟ بیشتر آنها پتروشیمی‌ها هستند که قاعدتاً ارزی چندانی ندارند و باید همه را به بانک مرکزی دهند تا صرف واردات دیگر نیازهای مردم شود. روشن است که با برای فرار سرمایه از کشور یا واردات به قیمت ارز آزاد صرف می‌شود. به علاوه، هیئت‌مدیره این شرکت‌ها، مالک آن نیستند تا بخواهند سود بیشتری به جیب بزنند. پس با فساد است یا ماجرای دیگر. دولتی که روی شرکت‌های خود تسلط ندارد، روی چه تسلط دارد؟ پیشنهاد اجرای طرح‌های بزرگ از سوی آنها نیز نوعی پشت‌گوش انداختن و پاک کردن صورت مسئله است. در واقع، کار خلاف آنها را پذیرفته‌اید؛ بعد می‌خواهید در عوض کار دیگری بر دوش آنان بیندازید. ضمن اینکه پرداختن هیئت‌مدیره به فعالیت‌های دیگر غیر از مأموریت شرکت اصلی، موجب ناکارآمدی و فساد می‌شود. اینها بخشی از مشکلات نظام اداری ایران است که به جای حل مسئله آن را دور می‌زنند؛ البته با هزینه سنگین و فساد فراوان. بدترین بخش ماجرا دادن گزارشی به رهبری نظام است که از آن با تعبیر مهمل و پوچ یاد می‌کنند. کسی که به خود اجازه می‌دهد ارز را بیاورد، حتماً آمادگی این را دارد که با مهمل‌نویسی مدیریت را فریب دهد و مدیریتی که قادر نیست شرکت تحت امر خود را به نحوی سامان دهد که براساس منافع ملی و قانون و دستور مافوق عمل کند، قطعاً فریب گزارش‌های مهمل و پوچ را هم خواهد خورد. فقط نویسنده گزارش احتمالاً نمی‌دانسته که این گزارش به دست رهبری نظام هم خواهد رسید؛ والا، شاید مهمل‌نویسی نمی‌کرد.



سیگنال ظریف به دنیا

بررسی پیامدهای خارجی حذف معادون راهبردی رئیس‌جمهور

شهاب شهسواری گزارشگر گروه دیپلماسی

ناظران سیاسی معتقدند که استعفای ظریف به نفع رقبای منطقه‌ای ایران خواهد بود. هرچند ظریف مستقیماً مسئولیتی در دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم بر عهده نداشت، اما از یک سو نماد مذاکره با آمریکا و از سوی دیگر نماد بسیج کردن جامعه جهانی علیه دولت ترامپ در دور نخست ریاست جمهوری او محسوب می‌شد. حالا اما مخالفان منطقه‌ای ایران خیال‌شان آسوده‌تر است که محمدجواد ظریف، که ادعای کرد با دیپلماسی تئودیلماسی توانسته است یک بار دونالد ترامپ را در تقابل با ایران زمین‌گیر کند، دیگر در دولت ایران حضور ندارد.



مهدی ذاکریان استاد روابط بین‌الملل

رسانه‌های اسرائیلی در واکنش به جدایی ظریف از دولت، نوشته‌اند که این استعفا به نفع اسرائیل است. جدای اینکه ظریف صدای مردم بود در مقابل بیگانگان. در عین حال یک نیروی متخصص کار بلد بود که می‌دانست چگونه منافع ایران را در مقابل بیگانگان تأمین کند. دو دلیل دارد که برخی از دشمنان ایران از کناره‌گیری ظریف ابراز خرسندی کرده‌اند: نخست اینکه ظریف صدای مردم ایران بود و این موضوع به افزایش توان ایران در نظام بین‌المللی کمک می‌کرد و دوم اینکه یک نیروی متخصص و حرفه‌ای بود که می‌توانست منافع ایران را در مذاکره با بیگانگان به نحو احسن تأمین کند.



محمدجواد ظریف یک هفته پیش از کناره‌گیری از مقام ریاست جمهوری در مراسم افطار رهبری حضور یافت عکس: Leader.ir